

# Investigating the impact of university cultural programs on students' political participation with the mediating role of political intelligence (case study of Arak University students)

Seyed Ali. Mortazavi Emami Zavareh<sup>1\*</sup>  
Hosein. Rohani<sup>2</sup>  
Reza. Mahmoudoghli<sup>3</sup>

1. \*Corresponding author: Assistant Professor, Department of Political Science, Arak University, Arak, Iran
2. Assistant Professor, Department of Political Science, University of Isfahan, Isfahan, Iran
3. Assistant Professor, Department of Theology and Political Science, Mohaghegh Ardabili University, Ardabil, Iran

Email: a-mortazavi@araku.ac.ir Received: 27.12.2022 Acceptance: 17.03.2023

Journal of  
Socio-political studies of Iran's  
contemporary history

eISSN: 2821-1294  
<https://journalspsich.com>  
Vol. 2, No 1, Pp: 127-159  
Spring 2023

Original research article

## How to Cite This Article:

Mortazavi Emami Zavareh, S. A., Rohani, H., & Mahmoudoghli, R. (2023). Investigating the impact of university cultural programs on students' political participation with the mediating role of political intelligence (case study of Arak University students), *spsich*, 2(1): 127-159.



© 2023 by the authors. License Iran-Mehr: The Institute for Social Study and Research, Tehran, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license) (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>)

## Abstract

One of the most important aspects of national development is the development and fertility of the culture that governs the society. Studying the impact of cultural programs of universities as a subset of the higher education system in the country's development process is one of the significant solutions that can identify the capabilities and functions of cultural activity. The present research was conducted with the aim of investigating the impact of cultural programs of the university on the political participation of students with the mediating role of political intelligence (a case study of Arak University students). The research method is descriptive-analytical and survey type. The statistical population is all the students of the technical and engineering faculty in the number of 2340 people, among whom 181 people were selected as a statistical sample by a non-random method according to Morgan's table. The tool for collecting information is Farajzadeh's standard political participation questionnaires (2013), Fariz et al.'s political intelligence (2005) and researcher-made questionnaires of university cultural activities. The reliability of political participation questionnaires ( $\alpha = 0.88$ ), university cultural programs ( $\alpha = 0.87$ ), political intelligence ( $\alpha = 0.79$ ) was calculated and confirmed by Cronbach's alpha method, and content validity. It was also approved by the opinion of professors and experts. To check the normality of the distribution of the variables, the Kolmogorov Smirnov test was used to test the hypotheses of the research, the correlation method was used based on post-

event observations and with step-by-step regression analysis under spss software. The results showed that university cultural programs do not have a significant effect on students' political participation and their relationship pattern is not direct ( $P > 0.05$ ), and the effect of university cultural programs on political intelligence was not observed ( $P > 0.05$ ). However, political intelligence has a significant effect on the level of political participation ( $P < 0.05$ ). It was also confirmed that political intelligence plays a mediating role in the relationship between university cultural programs and the level of political participation of students ( $P < 0.05$ ). According to the respondents, political intelligence increases the political participation of students, but the cultural programs of the university do not have this ability.

**Keywords:** *University cultural programs, political participation, political intelligence, students.*

# بررسی تأثیر برنامه‌های فرهنگی دانشگاه بر مشارکت سیاسی دانشجویان با نقش میانجی هوش سیاسی (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه اراک)

سیدعلی مرتضوی امامی زواره\*  
حسین روحانی<sup>۲</sup>  
رضا محموداوغلی<sup>۳</sup>

۱. استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه اراک، اراک، ایران (نویسنده مسئول)  
۲. استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران  
۳. استادیار گروه الهیات و علوم سیاسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۰۶ | پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۶ | ایمیل نویسنده مسئول: a-mortazavi@araku.ac.ir

## چکیده

یکی از ابعاد بسیار مهم توسعه ملی، توسعه و باروری فرهنگ حاکم بر جامعه است. مطالعه تأثیر برنامه‌های فرهنگی دانشگاه‌ها به عنوان زیرمجموعه نظام‌آموزش عالی در فرایند توسعه کشور از جمله راه‌کار قابل توجهی است که می‌توان توانمندی‌ها و کارکردهای فعالیت فرهنگی را شناخت. تحقیق حاضر با هدف بررسی تأثیر برنامه‌های فرهنگی دانشگاه بر مشارکت سیاسی دانشجویان با نقش میانجی هوش سیاسی (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه اراک) انجام شده است. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و از نوع پیمایشی می‌باشد. جامعه آماری تمامی دانشجویان دانشکده فنی‌ومهندسی به تعداد ۲۳۴۰ نفر می‌باشد که از بین آنها با توجه به جدول مورگان ۱۸۱ نفر به عنوان نمونه آماری به روش غیرتصادفی از افراد در دسترس انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه‌های استاندارد مشارکت سیاسی فرج‌زاده (۱۳۹۳)، هوش-سیاسی فریز و همکاران (۲۰۰۵) و پرسشنامه محقق‌ساخته فعالیت‌های فرهنگی دانشگاه می‌باشد. پایایی پرسشنامه‌های مشارکت سیاسی (۰/۸۸)، برنامه‌های فرهنگی دانشگاه ( $\alpha = ۰/۸۷$ )، هوش سیاسی (۰/۷۹)  $\alpha =$  با روش آلفای کرونباخ محاسبه و تایید شد و روایی محتوایی نیز با نظر اساتید و کارشناسان مورد تایید قرار گرفت. برای بررسی نرمال بودن توزیع متغیرها از آزمون کولموگروف اسمیرنوف، برای آزمون فرضیات تحقیق از روش همبستگی بر اساس مشاهده‌های پس رویدادی و با تحلیل رگرسیون گام به گام تحت نرم‌افزار SPSS استفاده شده است. نتایج

## فصلنامه علمی مطالعات سیاسی-اجتماعی تاریخ معاصر ایران

شاپا (الکترونیکی): ۱۲۹۴-۲۸۲۱  
<https://journalspsich.com>  
دوره ۲ | شماره ۱ | صص ۱۵۹-۱۲۷  
بهار ۱۴۰۲

### نوع مقاله: پژوهشی

به این مقاله به شکل زیر استناد کنید:

### درون متن:

(مرتضوی امامی زواره، روحانی و محموداوغلی،  
۱۴۰۲)

### در فهرست منابع:

مرتضوی امامی زواره، سیدعلی، روحانی، حسین، و محموداوغلی، رضا. (۱۴۰۲). بررسی تأثیر برنامه‌های فرهنگی دانشگاه بر مشارکت سیاسی دانشجویان با نقش میانجی هوش سیاسی (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه اراک). مطالعات سیاسی-اجتماعی تاریخ معاصر ایران، ۲(۱): ۱۵۹-۱۲۷.

نشان داد برنامه‌های فرهنگی دانشگاه بر میزان مشارکت سیاسی دانشجویان دارای تاثیر معناداری نمی‌باشد و الگوی رابطه آنها مستقیم نمی‌باشد ( $P > 0/05$ ) همچنین تاثیر برنامه‌های فرهنگی دانشگاه بر هوش سیاسی مشاهده نگردید ( $P > 0/05$ ) اما هوش سیاسی بر میزان مشارکت سیاسی به صورت معناداری تاثیر دارد ( $P < 0/05$ ) همچنین تایید شد که هوش سیاسی در ارتباط بین برنامه‌های فرهنگی دانشگاه و میزان مشارکت سیاسی دانشجویان نقش میانجی دارد ( $P < 0/05$ ). طبق نظر پاسخ دهندگان هوش سیاسی باعث افزایش مشارکت سیاسی دانشجویان می‌گردد اما برنامه‌های فرهنگی دانشگاه این توانایی را ندارد.

**کلیدواژه‌ها:** برنامه‌های فرهنگی دانشگاه؛ مشارکت سیاسی؛ هوش سیاسی؛

دانشجویان.



## مقدمه و بیان مسئله

مشارکت‌سیاسی یکی از مفاهیم بنیادی علوم سیاسی و علوم اجتماعی است که با مطالعه آن مشخص می‌گردد میزان مشارکت سیاسی در جوامع چگونه و تحت چه عواملی تغییر می‌پذیرد. مفهوم مشارکت سیاسی از گذشته تاکنون به لحاظ محتوا تغییرات زیادی را پشت سر نهاده است. در حالی که در گذشته عمدتاً تأکید زیادی بر فعالیت مستقیم شهروندان همانند رای دادن می‌شد، اکنون تأکید مستقیم کمتری بر رأی دارد یا فعالیت‌های مربوط به انتخابات وجود دارد، از این روی است که اندیشمندان سیاسی و اجتماعی به خاطر عمومیت برخی رفتارها مانند اعتراضات و خشونت‌های سیاسی، شرکت در انجمنها و فعالیت در مجامع سیاسی، آنها را نیز نوعی مشارکت‌سیاسی در نظر می‌گیرند (شهریاری، ۱۳۹۴: ۱۶۸) بررسی‌ها نشان داده است مشارکت مردم و به خصوص مشارکت نخبگان فکری و از جمله دانشجویان در مسائل سیاسی و اجتماعی ثبات و پایداری و کارآمدی نظام سیاسی را در پی خواهد داشت و تحقق «مشارکت‌سیاسی حداکثری» به منظور تأمین امنیت ملی توسعه‌سیاسی را به‌همراه دارد. لذا به منظور تحقق اهداف فرهنگی دانشگاه مطالعه مشارکت‌سیاسی دانشجویان به عنوان یکی از مهمترین سرمایه‌های اجتماعی و به عنوان قشری که می‌خواهد در حیات جامعه از بعد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی دخالت کند و مشارکت موثر داشته باشد حائز اهمیت است. دانشجویان از جمله گروه‌هایی اجتماعی هستند که به دلیل افزایش آگاهی سیاسی به ویژه با توجه به گسترش ارتباطات، در سال‌های اخیر مشارکت‌سیاسی‌شان از نظر کمی در نوسان کاهشی-افزایشی قرار گرفته است. بدیهی است جامعه مادر حال حاضر درگیر بحران‌هایی از جمله بحران اقتصادی، سیاسی، مدیریت و بحران فرهنگی است که این بحران‌ها، دارای تأثیر متقابل بر یکدیگرند ولی به نظر می‌رسد بحران فرهنگی موجود در جامعه، نقش پایداری‌تری ایفا می‌کند. سیاست‌زدگی فعالیت‌های دانشجویی در دانشگاه‌های ایران؛ نظر به فضای به نسبت آزادی که بعد از انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۷۶ به وجود آمد، تمامی فعالیت‌های دانشجویی رنگ و بوی سیاست به خودگرفت و این معضل، گریبان‌گیر نهادهای فرهنگی- دانشجویی

دانشگاه‌ها نیز شد. از آنجا که دانشگاه به عنوان نهاد آموزشی و پژوهشی، یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین بازیگران نظام تصمیم‌سازی کشور به شمار می‌آید تأثیر بسزایی در تامین امنیت اجتماعی هر کشور دارد زیرا این نهاد در بستر فرهنگ و جامعه عمل می‌کند و با عملکرد بهتر و تولید دانش، می‌تواند قدرت، اقتدار و امنیت را ایجاد کند. دانشگاه‌ها با کارکردهای گوناگون، همچون جامعه‌پذیری، تقویت انسجام و سرمایه اجتماعی، تقویت تعلق اجتماعی، تربیت نیروی انسانی متخصص و از این قبیل، می‌توانند به ایجاد و افزایش دارایی و سرمایه‌های عظیم فکری، فرهنگی، مادی و فناورانه بپردازند. «اصولا فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی دانشجویان از یک طرف؛ روی خود آنها و ابعاد شخصیتشان و از طرف دیگر، روی هم‌نوعان، جامعه دانشگاهی و حتی جامعه بزرگ کشور و بعضا در سطح بین‌المللی تأثیر ارزشی و محتوایی می‌تواند داشته باشد و دارد» (اسماعیلی، ۱۳۷۴: ۵۶) در این بین الگوهای دانشگاهی بیانگر نقش‌ها و وظایف دانشگاه در سطح کلان و در ارتباط با جامعه و محیط پیرامون آن هستند و هریک شکل ویژه‌ای از گره‌خوردن این نهاد علمی را با نیازهای فرهنگی و اجتماعی جامعه بازتاب می‌دهند. چهار الگوی شناخته‌شده در این زمینه عبارتند از: الگوی ناپلئونی<sup>۱</sup> (فرانسوی)، الگوی همبولتی<sup>۲</sup> (آلمانی)، الگوی آکسبریجی<sup>۳</sup> (بریتانیا) و الگوی مبتنی بر بازار<sup>۴</sup>. هریک از این الگوها ریشه در هویتی متمایز در پهنه‌ای خاص از جغرافیای مغرب‌زمین دارد. در دانشگاه سنتی فرایندهای علمی و عرضه دانش بر تقاضای اجتماعی اولویت دارد. دانشگاه بیشتر دولتی، بسته و انعطاف‌ناپذیر بوده و سنت‌های محافظه‌کارانه دانشگاهی بر آن حاکم است. وقتی ادراک دانشگاه از خود با ادراک جامعه از دانشگاه با هم هماهنگ باشند، هویتی پایدار شکل می‌گیرد (ذاکر صالحی، ۱۳۹۷). از آنجا که تأسیس معاونت فرهنگی، در دانشگاه‌های کشور و تعداد تشکلهای دانشجویی (که مشابه یونیون‌ها در دانشگاه‌های انگلیسی است) برنامه‌های فرهنگی متناظر با این تفکر را با خود به‌همراه دارد می‌تواند کارکرد این نهاد علمی را در ایفای نقش و

---

1. Napeloni Model  
 2. Humboldtian Model  
 3. Oxbridge Model  
 4. Market Model

رسالت فرهنگی دانشگاه در رشد فرهنگ، مشارکت در اجتماع و اقتصاد بیش از پیش ارتقا دهد. دانشگاه اراک از جمله دانشگاه‌های ایران است که سنت‌های اخلاقی و فرهنگی ایرانی را در جریان آموزش ترویج می‌یابد و طبق الگو آکسبریجی (بریتانیا) بر اسکان دانشجو در محیط دانشگاه به‌منظور کسب جامعه‌پذیری علمی و شکل‌گیری شخصیت علمی-اجتماعی (فره‌یختگی) تأکید می‌شود. همچنین برنامه‌های فرهنگی دانشگاه اراک با الگوپذیری از ویژگی‌های: (۱) تأکید بر مسئولیت‌اجتماعی، تهذیب و فره‌یختن و پرورش‌منش؛ (۲) سواد فرهنگی در کنار سواد فناوری؛ (۳) مراعات هنجارهای علمی و قداست دانشگاه؛ (۴) رشد شخصی و تعالی معنوی دانشجویان؛ (۵) اسکان در پردیس (۶) بهبود کیفیت؛ (۷) انعطاف‌پذیری آموزش؛ (۸) استقلال گسترده نهادینه شده؛ (۹) تأکید بر مهارت‌های انتقال‌پذیر (۱۰) پرهیز از الگوی خطی آموزش - اشتغال صنعتی و تأکید زیاد بر کار در صنعت (۱۱) تحقیقات گروهی، نقادی، بحث و تجزیه و تحلیل اطلاعات؛ (۱۲) تأکید بر مهارت حل مسئله؛ (۱۳) کار با رایانه به‌عنوان درس پایه و مشترک؛ و (۱۴) عادت‌های کاری، نظم و دقت (ذاکر صالحی، ۱۳۹۷) تلاش در جهت توجه به جنبه‌های فرهنگی تعلیم و تربیت در کنار آموزش علمی دارند.

از سویی دیگر محققان در پژوهش‌های پیشین نقش هوش را در مقام تصمیم‌گیری افراد و مشارکت سیاسی (هوی و هوی، ۱۹۷۰؛ مجل چوب‌قلو و همکاران، ۱۳۹۲؛ صولتی‌روندی و همکاران، ۱۳۹۶؛ لیزن، ۲۰۰۸؛ درگامی و احتشامی، ۲۰۱۹) به اثبات رسانده‌اند بنابراین در این مطالعه از هوش سیاسی (جاذبه نظرات مثبت و با استدلال‌های منفی) به عنوان متغیر میانجی استفاده شده است. در تعاریف آمده هوش سیاسی توانایی ایجاد یک شبکه ارتباطی خوب است که می‌تواند ائتلاف‌های رسمی ایجاد کند (ممبینی و همکاران، ۱۳۹۵) براین اساس متغیرهای اصلی تحقیق شامل برنامه‌های فرهنگی دانشگاه (براساس الگوی دانشگاهی اکسبریجی) و مشارکت سیاسی است و متغیر میانجی؛ هوش سیاسی شامل: هوش اجتماعی، نفوذ فردی، توانایی شبکه‌ای و صداقت اشکار می‌باشد.



ضرورت مطالعه و تحقیق در خصوص رابطه برنامه‌های فرهنگی و مشارکت‌سیاسی از آنجا ناشی می‌شود که تهدیدات داخلی بالفعل و بالقوه در کشورهای کمتر توسعه یافته، اغلب، امنیت اجتماعی این جوامع را به خطر می‌اندازد. ضرورت شناخت مقوله مشارکت نیز بدان جهت دارای اهمیت می‌باشد که اولاً یکی از مبانی اساسی و اصولی دموکراسی در دنیای امروز می‌باشد و ثانیاً دانشگاه‌ها زمینه‌ساز فرهنگ مشارکت برای رسیدن به آرمان‌های جامعه دموکراتیک براساس (ادبیات امروز) می‌باشند (ثابتی‌راد، ۱۳۸۵: ۱۲؛ اکبری، ۱۳۸۹: ۱۰۸). دانشجویان ایرانی در گذشته به خصوص در وقایع انقلاب اسلامی و دوران دفاع مقدس مشارکت گسترده از خود نشان دادند اما دانشجویی امروزی تمایلی به مشارکت‌سیاسی از خود نشان نمی‌دهد و این مشکل می‌تواند بر امنیت ملی کشور تاثیر منفی داشته باشد لذا شناخت عوامل موثر بر میزان مشارکت‌سیاسی دانشجویان می‌تواند آگاهی و بینش مسئولین در جهت تقوی مشارکت‌سیاسی دانشجویان را افزوده و به آنها در جهت رفع موانع و مشارکت کمک کند (پالیزبان، ۱۳۹۰: ۳۴) در این میان نقش نهادهای فرهنگی و ارزشی بسیار کارساز می‌باشد. با عنایت به مطالب فوق می‌توان مدعی بود که ارتقای فرهنگ نقشی مهم در کارآمدی نظام تولید دانش و افزایش مشارکت‌سیاسی- اجتماعی را در دانشگاه اسلامی به‌مراه دارد این پژوهش درصدد است تا به پیمایش این موضوع بپردازد که چگونه فعالیت فرهنگی دانشگاه مشارکت‌سیاسی دانشجویان را افزایش می‌دهد؟ برنامه‌های فرهنگی دانشگاه چه تاثیراتی بر میزان مشارکت سیاسی دانشجویان با نقش میانجی‌گری هوش سیاسی دارد؟

### ادبیات نظری و تجربی پژوهش

#### برنامه‌های فرهنگی دانشگاه و ابعاد آن:

آموزش عالی ایران مانند بسیاری از کشورهای دیگر، طی چهار دهه گذشته با تغییراتی مواجه بوده است این تغییرات بدلیل تحول در فرایندهای فرهنگی، اجتماعی و فکری جهانی، نهادهای رسمی و غیررسمی و انتظارات متعاقب آن بوجود آمده است. دانشگاه به عنوان یکی از بسترهای اصلی تشکیل گروه‌های اجتماعی می‌تواند مورد توجه باشد. تشکیل‌های علمی، فرهنگی و مذهبی حرفه‌ای و گروه‌های

دیگر در فضای دانشگاه فرصتی مناسب برای ظهور می‌یابند. در چنین فضایی شبکه‌هایی شکل می‌گیرند که می‌توانند مبنای تشکیل نهادهای اصلی و اثرگذار جامعه باشند (Dingaa, 2014) با توجه به شرایط محیطی، اجتماعی، قوانین و مقررات، و ارزش‌های حاکم بر جامعه، سرمایه اجتماعی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی را می‌توان در دو بعد عینی و ذهنی توسعه داد. بعد عینی که مؤلفه‌های ساختاری و مدیریتی را شامل می‌شود، آن دسته از شاخص‌های را در بر می‌گیرد که مسئولیت ارتقای آن‌ها به منظور توسعه سرمایه اجتماعی عمدتاً بر عهده دانشگاه و بخش‌های اداری و مدیریتی آن است. از جنبه ساختاری، دانشگاه‌ها می‌توانند با انجام دادن اقدامات و اصلاحاتی در سیستم‌های طراحی مشاغل، پاسخگویی، نظام جبران-خدمات، همچنین تغییر در ساختار سازمانی و شبکه‌های ارتباطی، توسعه سرمایه اجتماعی را تسهیل کنند. برنامه‌های آموزشی مدیران در جهت بهبود شیوه‌های تصمیم‌گیری، خط‌مشی‌های سازمانی و استراتژی‌های مذاکره نیز می‌تواند از جنبه مدیریتی توسعه سرمایه اجتماعی را به دنبال داشته باشد. بعد ذهنی در قالب سه مؤلفه فردی، گروهی و سازمانی بیش از آنکه دانشگاه و نظام مدیریتی آن را شامل شود، ذهنیت و نگرش اعضای هیئت علمی، دانشجویان و افراد دیگری را که در دانشگاه فعالیت دارند، در برمی‌گیرد (مصطفی‌زاده و صادقی، ۱۳۹۳: ۱۷۸).

در شرایط فعلی یکی از مهمترین چالش‌های پیش‌روی آموزش عالی شکاف میان انتظارات اجتماعی و دستاوردهای آموزشی است.

در دانشگاه سنتی که /سکات از آن به دانشگاه سبک یک<sup>۱</sup> یاد می‌کند، علوم تجربی بی‌طرف نقشی کلیدی به عهده دارند و رشد و نمو علمی نسبت به آموزش عمومی اولویت دارد. همچنین بهبود عملکرد پژوهشی، از جذب دانشجو مهم‌تر شمرده می‌شود. محافظه‌کاری دانشگاهی و ناسازگاری با روندهای دموکراتیک در آموزش عالی مشهود است و در نهایت یک گروه متخصص، قدرت فرهنگی دانشگاه را در اختیار دارند (Scott, 2000: 190). اسکات در ترسیم خود به مفهوم دانشگاه نخبه‌گرا نزدیک شده است؛ دانشگاهی که نقش خود را در پرورش رهبران ملی آینده

---

1. Mode 1 University

جست‌وجو می‌کند. در چنین دانشگاهی، نظریه‌پردازی محض و دانش برای دانش، بسیار مورد توجه بوده و روشنفکری به‌عنوان ارزشی اساسی مطرح است. معمولاً طبقات خاص وارد دانشگاه می‌شوند و ورود به دانشگاه امتیاز تلقی می‌شود نه حقی عمومی؛ از سویی دانشگاه مرکز پژوهش و کانون توسعه علوم و فنون است (Mardiha, 2002). شوارتزمن<sup>۱</sup> ویژگی‌های دانشگاه سنتی را چنین برشمرده است: «حاکمیت دیوان‌سالاری تا سال ۱۹۶۰ میلادی؛ متکی بودن به مجموعه‌ای از اصول به نام اصول دانشگاهی<sup>۲</sup> مانند اصول مربوط به صلاحیت‌ها و مراتب دانشگاهی؛ یگانه مرجع برای معارف جدید؛ استفاده از بودجه‌های عمومی؛ مرجع اصلی برای تربیت متخصص و فقدان قابلیت انعطاف نسبت به تقاضای بازار» (Ramazani, 2002: 40). در دانشگاه سنتی فرایندهای علمی و عرضه دانش بر تقاضای اجتماعی اولویت دارد. دانشگاه بیشتر دولتی، بسته و انعطاف‌ناپذیر بوده و سنت‌های محافظه‌کارانه دانشگاهی بر آن حاکم است. سه الگوی نخست ناپلئونی، همبولتی و آکسبریجی در قلمرو دانشگاه سنتی جای داشته و متعلق به مدرنیته متقدم هستند. آموزش عالی در ایران از زمان تأسیس دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳ بر مبنای الگوی فرانسوی (دانشسرای عالی بوزار) بوده است؛ نهادی بوروکراتیک با ساختاری سلسله‌مراتبی و تکیه بر آموزش. سپس در دوره ریاست پروفسور رضا در دانشگاه تهران، تغییراتی ایجاد شد. او کرسی استادی را به رتبه‌های گوناگون تبدیل و ترم تحصیلی و دپارتمان را راه‌اندازی کرد. البته ساختار اداری دانشگاه ایرانی کماکان ناپلئونی و فرانسوی و وابسته به دولت و تمرکزگراست. در سالهای اخیر دانشگاه ایرانی به تدریج جهت‌گیری آکسبریجی (انگلیسی) را تجربه کرده‌اند؛ از آنجا که در سال ۱۳۷۸ مأموریت فرهنگی نیز در قالب تأسیس معاونت‌های فرهنگی و اجتماعی در دانشگاه‌ها رسمیت یافت. در الگوی آکسبریجی، تربیت و جامعه‌پذیری علمی مبتنی بر نظریه «رشد دانشجو» کارکردی محوری دارد (ذاکرصاحی، ۱۳۹۷). نام این الگو برگرفته از تلفیق نام دو دانشگاه بزرگ و قدیمی انگلستان است. ریشه‌های فرهنگی این الگو را باید در فرهنگ و منش انگلوساکسون جست‌وجو کرد. این مرکز

---

1. Schwartzman  
2. Academic Principles

علمی که در حقیقت حوزه علمیه مسیحیت بوده است، به دانشگاه مدرن تبدیل شده است. از نظام آموزش عالی بریتانیا اغلب به‌عنوان نمونه‌ای برجسته از نظام دانشگاهی برخوردار از استقلال گسترده نهادینه شده، یاد می‌شود. این استقلال، با استفاده از یک نظام منحصربه‌فرد تأمین اعتبار همراه است. دانشگاه‌های بریتانیا علاوه بر تعالی معنوی دانشجویان از نظر دقت در رشد شخصی نیز شهره‌اند. بریتانیا در دهه ۱۹۸۰ به همگانی کردن آموزش عالی پرداخت و مدت‌ها نظام آموزش عالی این کشور در انحصار تعلیم نخبگان جامعه بود (Neave, 2001: 21). در این الگو بر اسکان دانشجو در محیط دانشگاه به‌منظور کسب جامعه‌پذیری علمی و شکل‌گیری شخصیت علمی - اجتماعی (فره‌یختگی) تأکید می‌شود.

در تبیین کارکردهای فرهنگی دانشگاه شاید هیچ عاملی مخرب‌تر و ویرانگرتر از مسائل سیاسی خطی و جناحی، برای حوزه دانش و دانشمندان نباشد. هر حزب و گروه سیاسی، کارویژه، وظیفه و رسالتی دارد، هر روزنامه، سایت سیاسی، وبلاگ و هر رسانه‌ای نیز کار ویژه، و نقش خود را در عرصه جامعه و سیاست ایفا می‌کند. حزب و گروه سیاسی یا روزنامه و ژورنالیسم، قاعدتا باید منافع حزب، گروه و ارگان خود را تأمین کنند، درحالی که کارویژه رسالت و وظیفه جامعه علمی و دانشگاهی و دانشمندان و استادان کشور، فرتر از اینهاست (علیخانی، ۱۳۸۹: ۶) از دیگر کارکردهای فرهنگی دانشگاه وجود و فعالیت انجمن‌های مختلف است. تشکل‌های علمی و صنفی همانند سایر تشکل‌های مدنی نهادهای خودجوشی هستند که رابطه بین دولت‌ها و ملت‌ها را تنظیم می‌کنند و در بسیاری از موارد، می‌توانند به دولت‌ها کمک کرده و از بار کاری آنها بکاهند. در عرصه دانشگاه این تشکل‌ها به مثابه وجدان جمعی دانشگاهیان هستند که می‌توانند مقامات و ارگان‌های تصمیم‌گیر در امور دانشگاهی را وادار به پاسخگویی کنند. چنین تشکل‌هایی می‌توانند در شکل بخشی به ساختارها و جهت‌دهی به رفتارها، مشارکت کنند. تمهیدات لازم برای شفافیت و پاسخگویی را تدارک ببینند و زمینه استقرار عدالت در ابعاد رویه‌ای، توزیعی، مبادله‌ای و اطلاعاتی در دانشگاه را فراهم نمایند. در دانشگاهی که تشکل‌های علمی و صنفی فعال نباشند امکان ایجاد و رشد رگه‌های مدیریت امرانه و

دستوری به جای مدیریت رایزنانه بیشتر فراهم می‌شود. این قبیل تشکلهای می‌توانند همانند چشمان باز دانشگاهیان وظیفه مراقبه و نظارت را ایفا نمایند تا عمل غیر قانونی انجام نشود و استانداردهای معینه دقیقاً به اجرا گذارده شوند (زاهدی، ۱۳۹۶: ۲۰۶)

### مشارکت سیاسی و ابعاد آن:

در تعریفی نسبتاً جامع از مشارکت آمده است مشارکت درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت‌های گروهی است که آنان را برمی‌انگیزد تا برای دستیابی به اهداف گروهی، یکدیگر را یاری دهند و در مسئولیت کار شریک شوند تعریف شده است. کانینگهام مشارکت را فرایندی تعریف می‌کند که در آن افراد در تصمیم‌گیری‌های مربوط به جامعه، تمرین قدرت می‌کنند (زارع و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۰۴). عوامل موثر بر میزان تمایل به مشارکت سیاسی را از رویکرد روانشناسی با استفاده از نظریه احساس کارایی سیاسی رابرت دال، مایکل راش، و گیدنز، و همچنین در رویکرد مدرنیزاسیون با استفاده از نظریه هانتینگتون، در رویکرد کنش متقابل نمادین با استفاده از نظریه‌های لیپست هربرت مید و هایمن و در رویکرد کارکردگرایی ساختاری با استفاده از نظریه پارسونز، متغیرهای: احساس کارایی سیاسی، آگاهی سیاسی، حساسیت سیاسی و پایگاه اجتماعی-اقتصادی استخراج می‌شود (پالیزبان، ۱۳۹۰: ۳۵). تعداد زیادی از پژوهشگران گذشته سعی داشته‌اند عوامل موثر بر مشارکت سیاسی را مورد بررسی قرار دهند. به عنوان مثال رابرت دال درصدد است که مشخص کند چه عواملی باعث کناره‌گیری برخی از مردم از سیاست می‌شود و چرا بعضی بیش از دیگران خود را در امور سیاسی درگیر می‌کنند و مشارکت و حضور بیشتری دارند (دال، ۱۳۶۴: ۴۸) به دلایل گوناگون افراد ممکن است به هیچ سازمان سیاسی یا شبه‌سیاسی‌ای تعلق نداشته باشند اما ممکن است به مشارکت در شکلی از اجتماعات عمومی یا تظاهرات خیابانی ترغیب شوند. یکی از شکل‌های متناوب مشارکت سیاسی، شکل بحث سیاسی غیررسمی توسط افراد در خانواده‌ها در محل کار یا در میان دوستان است. گروهی علاقه به مسائل سیاسی دارند و علاقه خود را از طریق رسانه‌های همگانی حفظ می‌کنند (راش، ۱۳۹۱: ۱۲۶)؛

به نقل از نادری، ۱۳۹۶: ۲۶۲) دال معتقد است به‌طور کلی می‌توان گفت هر چه میزان تحصیلات افراد بالاتر می‌رود کم و کیف مشارکت سیاسی آنان نیز افزایش می‌یابد (Dahl, 1974: 290-289) آلموند و پاول ضمن تأکید بر تحصیلات درآمد و رتبه شغلی افراد در تعیین پایگاه اقتصادی و اجتماعی آنان در خصوص اثرهای پایگاه اقتصادی و اجتماعی بر مشارکت سیاسی و اجتماعی افراد بیان می‌دارند (آلموند و پاول، ۱۳۸۰: ۱۴۲). مشارکت سیاسی انواع مختلفی از جمله رای دادن، عضویت در حزب سیاسی، کاندید شدن برای انتخابات و ... را شامل می‌شود (حیدری، ۱۳۹۷: ۱۰۱).

### هوش سیاسی و ابعاد آن:

عموماً گفته می‌شود هوش واژه و اصطلاحی است که تقریباً بدون دقت زیاد، در زمان توصیف و شرح سبک یادگیری، استعداد، خصیصه‌ها، مهارت‌ها و شایستگی‌های یک فرد استفاده می‌شود. بر اساس تعریف لغت‌نامه وبستر، هوش بعنوان ظرفیت و توانایی درک و توصیف واقعیت‌ها و قضایا و ارتباطات آن‌ها و استدلال در مورد آن‌ها، در نظر گرفته می‌شود (Moody, 2007). هوش سیاسی شامل توانایی ایجاد یک شبکه ارتباطی خوب است که می‌تواند ائتلاف‌های غیررسمی را به مانند ائتلاف‌ها رسمی ایجاد کند. سازگاری اجتماعی به‌وسیله هوش سیاسی افزایش می‌یابد و توانایی انجام کار برای تنظیم تغییرات را افزایش می‌دهد (Lussier, Achua, 2010). فریس و همکارانش (۲۰۰۵)، چهار بعد از مهارت سیاسی در سازمان شامل هوشیاری اجتماعی، نفوذ فردی، توانایی شبکه‌ای و صداقت آشکار را معرفی کردند: (۱) هوشیاری اجتماعی: به توانایی درک آنچه در اطراف شما جریان دارد و قدرت مشاهده دیگران را به درستی داشتن اطلاق می‌شود (۲) نفوذ فردی: به داشتن یک شخصیت متقاعد کننده و بهبود سبکی که برای دیگران خوشایند است، گفته می‌شود. (۳) توانایی شبکه‌ای: افرادی که در گسترش ارتباط‌هایی که می‌توانند به آنها کمک کند کارآموده هستند و در برقراری روابط با دیگران دارای توانمندی بالایی می‌باشند (۴) صداقت آشکار: توانایی انتقال و ابلاغ برداشت‌های صادقانه و صمیمانه و پرهیز از دورویی و فریب افراد (Ferris, et al, 2005: 129) رابرت دال

معتقد است که هرگاه شخص فکر کند دانش و آگاهی او محدودتر از آن است که بتواند با داخل شدن در سیاست به کارایی کافی برسد ترجیح می‌دهد که کمتر در آن مشارکت کند. میلبراث نیز معتقد است که هرچه فرد بیشتر در معرض انگیزه-های سیاسی به صورت بحث درباره سیاست و یا دسترسی داشتن به اطلاعات سیاسی مربوطه قرار داشته باشد مشارکتش بیشتر است (حمیدی و راد، ۱۳۹۶: ۶۸). همچنین محققان معتقدند افراد به تناسب هوش سیاسی خود از چهار شیوه برای استفاده سیاسی از دیگران استفاده می‌کنند که عبارت‌اند:

اول تشویق: کسی که از تشویق استفاده می‌کند، با توسل به احساس و منطق می‌کوشد بر طریق ادراک دیگران از یک وضعیت اثر بگذارد. دوم ایجاد انگیزه: وادار کردن افراد به کار با ایجاد انگیزه، نیروی مثبت قوی‌تری به شمار می‌آید که بر استفاده از قدرت متکی است. سوم ایجاد الزام اخلاقی: یک شکل منفی از سوء استفاده سیاسی از دیگران، ایجاد الزام اخلاقی در آن‌ها به گونه‌ای است که فرد احساس دین و بدهکاری کند. چهارم سرکوب: خشن‌ترین سوء استفاده از دیگران تهدید آنان در صورت عدم موافقت با درخواست فرد است. این نوع رفتار می‌تواند به واکنش منفی و سریع دیگران منجر شود (ممبینی و دوستار، ۱۳۹۳)

ابعاد و مولفه‌های شناخته شده برای هوش سیاسی متفاوت است ولی همه آنها با قدرت، نفوذ، درایت و سیاست افراد رابطه دارند. (Ashraf, Zahid Iqbal, 2011) پنج بعد برای هوش سیاسی ذکر کرده‌اند: بازی‌های اجتماعی: توانایی تسهیل کردن درک نگاه و دیدگاه دیگران؛ پویایی‌های قدرت: در آن قدرت به عنوان ظرفیت-اجتماعی بازیگران برای غلبه بر مقاومت دیگر بازیگران قلمداد می‌شود. شخصیت-سیاسی: هوش سیاسی با تفسیر موقعیت سیاسی محیط همراه است. افراد با هوش-سیاسی از نظر انگیزه‌ها و اعتقادات برای جمع کار می‌کنند و نه برای منفعت شخصی خود (Cook & Macaulay, 2004: 108)؛ مدیریت اثربخش استرس: از نظر سیاسی رهبرانی که ماهر و کارشناس شده‌اند قادر به کارکردن در محیط‌های متغیر و انعطاف‌پذیر همراه با استرس هستند (Ashraf, Zahid Iqbal, 2011: 802)؛ دانش کاربردی: دانش ضمنی وابسته به فرد است و یک رویه است که به طور مستقیم

به یک هدف وابسته است. دانش‌ضمنی به هوش عملی وابسته است و هر دو به هوش سیاسی وابسته‌اند. افراد دارای هوش سیاسی بالا با ایجاد طریق‌های ارتباطی با افراد ستادی، با نفوذ، قدرتمند و نیروهای صفی و عملیاتی و کسب اطلاعات لازم از آنها می‌توانند اطلاعاتی را تسخیر کنند که افراد و گروه‌ها برای تصمیم‌گیری به آنها نیاز دارند (دوستار و ممبینی، ۱۳۹۳: ۸۱).

### پیشینه پژوهش و توسعه فرضیه‌ها:

در بررسی میزان مشارکت سیاسی در دانشگاه‌ها، پژوهش‌ها و تحلیل‌های موجود به بررسی تاثیر متغیرهای مختلف بر مشارکت سیاسی صورت گرفته است و کمتر موردی یافت می‌شود که به تاثیر برنامه‌های فرهنگی دانشگاه توجه نموده باشد. نادری (۱۳۹۶) در "فرا تحلیل مشارکت سیاسی دانشجویان ایرانی: اثربخشی عوامل تبیین کننده عینی، انگیزشی-ذهنی، فرهنگی-اجتماعی و نهادی" نشان می‌دهد میزان مشارکت سیاسی دانشجویان نسبت به مشارکت سیاسی کل جامعه بیشتر است، اما در سطوح پایین سلسله مراتب مشارکت سیاسی یعنی شرکت در انتخابات و پیگیری اخبار سیاسی فعال هستند و تنها درصد کمی از دانشجویان مشارکت سیاسی فعالانه دارند. نتایج فرزانه و امیریان زاده (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان "میزان اثربخشی برنامه‌های فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی فارس از دیدگاه دانشجویان" نشان می‌دهد میانگین تاثیرگذاری برنامه‌های فرهنگی بخش‌های سه-گانه (کانون قرآن و عترت، ستاد اقامه نماز و فوق برنامه‌های فرهنگی) از دیدگاه دانشجویان پایین‌تر از سطح قابل قبول ارزیابی شده و تفاوتی معنادار بین عملکرد برنامه‌های فرهنگی از دیدگاه دانشجویان دختر و پسر وجود ندارد. پالیزبان (۱۳۹۰) در "بررسی میزان تمایل به مشارکت سیاسی دانشجویان و عوامل موثر بر آن" به این نتیجه رسید که رابطه مثبت بین میزان تمایل به مشارکت سیاسی دانشجویان با احساس کارایی سیاسی، حساسیت سیاسی و آگاهی سیاسی آنها تایید شده است بر این اساس فرضیه اول پژوهش به صورت ذیل قابل طرح است:

H1: برنامه‌های فرهنگی دانشگاه بر میزان مشارکت سیاسی دانشجویان تاثیر دارد.



صولتی سرونلی و همکاران (۱۳۹۶) در "بررسی رابطه هوش هیجانی و مشارکت-سیاسی در دانشجویان دانشگاه پیام نور واحد تهران غرب" به این نتیجه رسیده‌اند که از مجموع نمره کلی هوش هیجانی و ۱۵ زیرمقیاس آن تعداد ۳ زیرمقیاس شامل: حل مساله، تحمل فشارروانی و خوش‌بینی در افراد جامعه و خصوصاً در میان دانشجویان بیشتر باشد، به همان اندازه مشارکت آنها در رویدادهای سیاسی تاثیرگذار در جامعه و از جمله شرکت در انتخابات بالاتر خواهد بود. شهریاری (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان "مقایسه مشارکت‌سیاسی دانشجویان علوم-انسانی با سایر گروه‌های تحصیلی" به این نتیجه رسیده‌اند که مشارکت‌سیاسی دانشجویان علوم‌انسانی نسبت به سایر دانشجویان گروه‌های تحصیلی بیشتر است. نتایج پژوهش سخامهر و صداقتی‌فرد (۱۳۹۴) در "سنجش آگاهی‌سیاسی دانشجویان و عوامل موثر بر آن با تاکید بر مشارکت‌سیاسی" بیانگر آن بود که سطح آگاهی‌سیاسی دانشجویان مورد مطالعه از وضعیت متوسط برخوردار است. ضمناً موثرترین عامل بر آگاهی‌سیاسی دانشجویان، احزاب بود و بر اساس سایر یافته‌ها، بین دو متغیر آگاهی‌سیاسی و مشارکت‌سیاسی دانشجویان ارتباط معنادار و مستقیمی مشاهده شد. علمی (۱۳۸۷) در بررسی "جنسیت، آگاهی‌سیاسی و مشارکت‌سیاسی دانشجویان" به این نتیجه رسید میزان مشارکت‌سیاسی دانشجویان پسر و دختر متفاوت است، پسران مشارکت بالایی نسبت به دختران دارند. سطح آگاهی‌سیاسی پسران نیز بیشتر از دختران است. نتایج پژوهش درگاهی و احتشامی (۲۰۱۹) با عنوان "ارتباط بین هوش‌سیاسی مدیران و رفتارسیاسی کارمندان" نشان داد که همبستگی هوش‌سیاسی مدیران و کارمندان نسبتاً روبه بالا بود با این حال هیچ رابطه‌ای بین هوش‌سیاسی مدیران و رفتارسیاسی کارکنان یافت نشد. براین اساس فرضیه دوم و سوم پژوهش به صورت ذیل قابل طرح است:

H<sub>2</sub>: برنامه‌های فرهنگی دانشگاه بر هوش‌سیاسی دانشجویان تاثیر دارد.

H<sub>3</sub>: هوش‌سیاسی دانشجویان بر میزان مشارکت‌سیاسی تاثیر دارد.

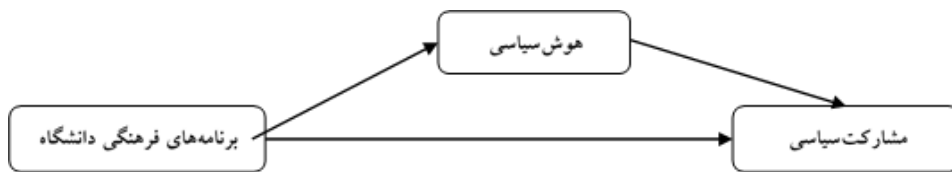
غفاری‌هشجین و همکاران (۱۳۸۹) در "بررسی عوامل موثر بر مشارکت‌سیاسی دانشجویان علوم‌سیاسی و فنی دانشگاه تهران" به این نتیجه رسیده‌اند که

دانشجویان علوم سیاسی بیش از دانشجویان فنی برای مشارکت سیاسی تحت تأثیر رشته تحصیلی خود بودند از طرف دیگر دانشجویان فنی بیشتر از دانشجویان علوم-سیاسی برای مشارکت سیاسی تحت تأثیر فضای سیاسی دانشکده خود بودند. امیریان زاده و همکاران (۱۳۸۵). پژوهشی با هدف "بررسی نگرش مردم استهبان در مورد تأثیر دانشگاه آزاد اسلامی بر ابعاد اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و علمی"، نشان دادند که مردم شهر بر این باورند که دانشگاه آزاد واحد استهبان در ارتقای سطح علمی مردم منطقه، پرورش و تربیت افراد تحصیل کرده، ایجاد فرصت تحصیلات عالی در منطقه، افزایش انگیزه‌ی افراد به دسترسی به تحصیلات عالی و ارتقای دانش سیاسی، رواج تفکر سیاسی میان جوانان، رشد افکار سیاسی و اجتماعی، از بین رفتن تعصبات بی‌مورد و رشد فرهنگی موثر بوده است. نیک‌کار و همکاران (۱۳۸۴) در پژوهشی با عنوان "بررسی نگرش دانشجویان دانشگاه شیراز نسبت به برنامه‌های فرهنگی و هنری و عوامل موثر بر شرکت آنها در این گونه فعالیت‌ها" نشان داد که میزان علاقه دانشجویان به برنامه‌های فرهنگی و هنری نسبتاً آزاد است. این افراد ضرورت برنامه‌های فرهنگی و هنری را در حد نسبتاً زیادی حس می‌کنند اما میزان آگاهی آنان از این برنامه‌ها بسیار ناچیز است. هاروی و هاروی (۱۹۷۰) در پژوهشی با عنوان "چشم‌انداز سیاسی نوجوانان: بررسی نقش هوش به عنوان یک متغیر مستقل" به بررسی روابط بین هوش و جهت‌گیری‌های ایدئولوژیک نوجوانان و بین هوش و شاخص‌های شناخت سیاسی، اطلاعات سیاسی و مشارکت سیاسی پرداخته‌اند. یافته‌ها رابطه معناداری بین هوش و جهت‌گیری‌های ایدئولوژیک (موضع چپ / لیبرال با هوش به جز موضع لیبرالیسم اقتصادی) و بین شناخت سیاسی و نگهداری اطلاعات و مشارکت سیاسی را نشان دادند. لیزن<sup>۱</sup> (۲۰۰۸) در پژوهشی به عنوان «آزادی رسانه‌ها، آگاهی سیاسی و مشارکت سیاسی» به این نتیجه رسید که کنترل رسانه‌ها توسط حکومت‌ها باعث کاهش میزان آگاهی سیاسی و مشارکت سیاسی شهروندان می‌شود. در نهایت فرضیه چهارم پژوهش اینگونه است:

---

<sup>۱</sup> Leeson

H4: هوش سیاسی در ارتباط بین برنامه‌های فرهنگی دانشگاه و میزان مشارکت سیاسی دانشجویان نقش میانجی دارد.  
با توجه به ادبیات نظری این پژوهش مدل مفهومی پژوهش به صورت زیر ترسیم می‌گردد:



شکل ۱، مدل مفهومی پژوهش (محقق ساخته)

### روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از لحاظ مشارکت پژوهشگر و نوع جمع‌آوری داده‌ها از نوع پیمایشی و به لحاظ شیوه تحلیل از نوع همبستگی است. روش جمع‌آوری داده‌ها به دو صورت اطلاعات کتابخانه‌ای و میدانی به شیوه پرسشنامه‌ای است. به دلیل آنکه در تحقیقات پیشین میزان مشارکت سیاسی در بین دانشجویان دانشکده علوم انسانی نسبت به سایر (پزشکی - فنی مهندسی - هنر و...) به اثبات رسیده است لذا جامعه آماری تحقیق مشتمل بر دانشجویان گروه فنی و مهندسی ورودی ۱۴۰۰-۹۹ می‌باشد که یک دوره انتخابات را در زمان دانشجویی خود گذرانده باشند است. این تعداد مجموعاً حدود ۲۳۴۰ نفر هستند. حجم نمونه طبق جدول مورگان تعداد ۱۸۱ نفر و نمونه‌گیری بر مبنای روش تصادفی از بین دانشجویان گروه مهندسی عمران، مهندسی کامپیوتر، و...، دانشجویان دختر و پسر انتخاب شدند. اما از آنجا که به دلیل وجود شرایط شیوع بیماری کرونا و غیرحضور بودن کلاس‌ها و در دسترس نبودن دانشجویان روش پخش پرسشنامه را با محدودیت مواجه نمود تعداد ۸۷ پرسشنامه توزیع و جمع‌آوری شد. این پژوهش با روش همبستگی بر اساس مشاهده‌های پس‌رویدادی و با تحلیل رگرسیون اقدام به پیش‌بینی متغیر وابسته از طریق مجموعه‌ای از متغیرهای مستقل و میانجی نموده است. کلیه اطلاعات جمع‌آوری شده در محیط

نرم‌افزاری spss22 پردازش و تجزیه و تحلیل شد. در این پژوهش از سه پرسشنامه برنامه‌های فرهنگی (محقق ساخته)، مشارکت سیاسی (فرج زاده، ۱۳۹۳) و هوش-سیاسی (فریز و همکاران، ۲۰۰۵) با طیف هفت گزینه‌ای لیکرت (از کاملاً مخالف تا کاملاً موافق) استفاده شد. روایی پرسشنامه‌های مورد استفاده با نظرات چندتن از اساتید گروه علوم سیاسی و متخصصان امر مورد تایید قرار گرفت. نتایج محاسبه آلفای کرونباخ به شرح زیر می‌باشد:

جدول ۱- ترکیب سوالات پرسشنامه

مولفه	ابعاد	تعداد سوالات	الفای کرونباخ	منبع
هوش- سیاسی	هوش اجتماعی	۵، ۷، ۱۶، ۱۷ و ۱۸	۰/۷۹۵	فریز و همکاران ۲۰۰۵
	نفوذ فردی	۲، ۳، ۴ و ۱۲		فریز و همکاران ۲۰۰۵
	توانایی شبکه‌ای	۱، ۶، ۹، ۱۰، ۱۱ و ۱۵		فریز و همکاران ۲۰۰۵
	صداقت آشکار	۸، ۱۳ و ۱۴		فریز و همکاران ۲۰۰۵
مشارکت سیاسی	حق رأی و شرکت در انتخابات	۴	۰/۸۸۴	فرج زاده (۱۳۹۳)
	حق فعالیت سیاسی و عضویت در احزاب و گروه-های سیاسی	۸		فرج زاده (۱۳۹۳)
	حق کاندیداتوری در انتخابات	۷		فرج زاده (۱۳۹۳)

فرج زاده (۱۳۹۳)		۷	دخالت در تصمیم‌گیری- های کلان و تغییرات ساختاری	
محقق ساخته	۰/۸۷۶	۴	برنامه‌های درک فرهنگی-سیاسی دانشگاه	برنامه‌های فرهنگی دانشگاه
محقق ساخته		۳	آگاهی از برنامه‌های فرهنگی-سیاسی دانشگاه	
محقق ساخته		۶	توان تجزیه و تحلیل برنامه‌های فرهنگی- سیاسی دانشگاه	
محقق ساخته		۳	توان‌گزینش و مشارکت در برنامه‌های فرهنگی - سیاسی دانشگاه	

### ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پاسخ‌دهندگان

ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پاسخ‌دهندگان بر اساس معیارهای جنسیت، سن، تحصیلات و بومی یا مهمان، رشته تحصیلی، وضعیت تاهل در زیر ارائه شده است. از بین ۸۷ نفر پاسخگویان ۵۵/۲ درصد را پاسخگویان مرد و ۴۴/۸ درصد را نیز پاسخگویان زن تشکیل می‌دهند که در این میان ۹۰/۸ درصد از پاسخگویان مجرد و ۹/۲ درصد متأهل‌اند. ۸۶/۲ درصد دارای سن زیر ۳۰ سال، ۱۰/۳ درصد دارای سن ۳۱ تا ۳۵ سال، ۱/۱ درصد دارای سن ۳۶ تا ۴۰ سال، ۲/۳ درصد دارای سن ۴۶ سال به بالا، می‌باشند. همچنین از بین پاسخگویان ۵/۷ درصد مشغول به تحصیلات کاردانی، ۴۷/۱ درصد مشغول به تحصیل کارشناسی، ۳۵/۶ درصد مشغول به تحصیل کارشناسی‌ارشد، ۱۱/۵ درصد مشغول به تحصیل دکترا می‌باشند از بین پاسخگویان ۳۵/۶ درصد رشته‌عمران، ۱۱/۵ درصد رشته برق، ۹/۲ درصد رشته

مکانیک، ۶/۹ درصد رشته ساخت و تولید و ۳۶/۸ درصد دانشجوی رشته شیمی می- باشند. از بین این افراد ۷۰/۱ درصد بومی و ۲۹/۹ درصد میهمان بودند. ۱۸/۴ درصد عضو بسیج، ۱۰/۳ درصد عضو حوزه فرهنگی و نشریات، ۴/۶ درصد عضو حوزه نماینده رهبری و ۶۶/۷ درصد از دانشجویان عضو هیچ تشکل دانشجویی نمی‌باشند.

### یافته‌های پژوهش

برای بررسی فرضیات تحقیق، ابتدا به منظور بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده گردیده است.

جدول ۲- نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای فرض نرمال بودن توزیع متغیرهای

#### پژوهش

هوش سیاسی	مشارکت سیاسی	برنامه‌های فرهنگی تربیتی دانشگاه		
۸۷	۸۷	۸۷	تعداد نمونه	
۶۴/۸۷۳۶	۷۰/۸۱۶۱	۵۵/۰۱۱۵	میانگین	پارامترهای نرمال
۷/۹۹۳۹۰	۲۴/۳۵۲۳	۸/۵۶۷۷	انحراف معیار	
۰/۰۸۳	۰/۰۹۶	۰/۸۰	آزمون کولموگروف-اسمیرنوف	
۰/۱۹۱	۰/۰۴۸	۰/۲۰۰	سطح معنی داری	

همانطور که در جدول (۲) مشاهده می‌گردد آماره Z کولموگروف-اسمیرنوف برای متغیر برنامه‌های فرهنگی تربیتی دانشگاه برابر ۰/۰۸۰، مشارکت سیاسی ۰/۰۹۶، هوش سیاسی ۰/۰۸۳ و در سطح ( $p > ۰/۰۵$ ) معنی دار نیست، یعنی توزیع متغیر در بین نمونه با توزیع آن در جامعه نرمال است. و برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از آزمون‌های پارامتریک می‌توان استفاده کرد.

### آزمون فرضیه‌های تحقیق:

به منظور تخمین روابط در بین متغیرهای موجود در مدل پژوهش از روش رگرسیون استفاده شده است.

**H<sub>1</sub>: برنامه‌های فرهنگی دانشگاه بر میزان مشارکت سیاسی دانشجویان تاثیر دارد.**

جدول ۳- ضریب همبستگی رابطه بین برنامه‌های فرهنگی دانشگاه و مشارکت سیاسی دانشجویان

متغیر	آماره	برنامه‌های فرهنگی دانشگاه	مشارکت سیاسی
برنامه‌های فرهنگی دانشگاه	ضریب همبستگی	۱	۰/۰۷۹
	سطح معناداری	-	۰/۴۶۷
مشارکت سیاسی	ضریب همبستگی	۰/۰۷۹*	۱
	سطح معناداری	۰/۴۶۷	-

در جدول ۳. مشاهده می‌شود، دو متغیر با ضریب همبستگی  $r=0/079$  و در سطح معناداری  $sig=0/467$  با یکدیگر رابطه مستقیم ندارند. لذا می‌توان گفت برنامه‌های فرهنگی دانشگاه بر میزان مشارکت سیاسی دانشجویان تاثیر ندارد و فرضیه رد می‌شود.

**H<sub>2</sub>: برنامه‌های فرهنگی دانشگاه بر هوش سیاسی دانشجویان تاثیر دارد.**

جدول ۴- ضریب همبستگی رابطه بین برنامه‌های فرهنگی دانشگاه و هوش سیاسی

متغیر	آماره	برنامه‌های فرهنگی دانشگاه	هوش سیاسی
برنامه‌های فرهنگی دانشگاه	ضریب همبستگی	۱	۰/۰۹۸
	سطح معناداری	-	۰/۳۶۶
هوش سیاسی	ضریب همبستگی	۰/۰۹۸	۱
	سطح معناداری	۰/۳۶۶	-

در جدول ۴. مشاهده می‌شود، دو متغیر با ضریب همبستگی  $r=0/098$  و در سطح معناداری  $sig=0/366$  با یکدیگر رابطه ندارند. لذا می‌توان گفت برنامه‌های فرهنگی دانشگاه بر هوش سیاسی دانشجویان تأثیر ندارد و فرضیه رد می‌شود.

### H3: هوش سیاسی دانشجویان بر میزان مشارکت سیاسی تأثیر دارد.

جدول ۵. ضریب همبستگی رابطه بین هوش سیاسی دانشجویان و میزان مشارکت-

#### سیاسی

متغیر	آماره	برنامه‌های فرهنگی دانشگاه	هوش سیاسی
هوش سیاسی	ضریب همبستگی	۱	۰/۳۱۹**
	سطح معناداری	-	۰/۰۰۳
مشارکت سیاسی	ضریب همبستگی	۰/۳۱۹**	۱
	سطح معناداری	۰/۰۰۳	-

\*\* سطح معناداری تعریف شده اطمینان ۰/۰۱ و خطای ۰/۹۹

در جدول ۵. مشاهده می‌شود، دو متغیر با ضریب همبستگی  $r=0/319$  و در سطح معناداری  $sig=0/003$  با یکدیگر رابطه دارند. می‌توان گفت برنامه‌های فرهنگی دانشگاه با هوش سیاسی دانشجویان رابطه دارد. در ادامه جهت پیش‌بینی تأثیر متغیر مستقل و وابسته آزمون رگرسیون چندمتغیره مورد استفاده قرار می‌گیرد.

جدول ۶ خلاصه جدول رگرسیون تأثیر هوش سیاسی دانشجویان بر میزان مشارکت-

#### سیاسی

ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	درصد خطای تخمین (دوربین واتسون)
۰/۳۱۹	۰/۱۰۲	۰/۰۹۱	۷/۶۱۹۴۹



طبق جدول ۶. ضریب همبستگی تاثیر هوش سیاسی دانشجویان بر میزان مشارکت-سیاسی ۰/۳۱۹ گزارش شده است یعنی حدود ۳۱ درصد از واریانس متغیر وابسته یعنی مشارکت سیاسی از طریق متغیر مستقل یعنی هوش سیاسی تبیین و توجیه شده است. و ضریب تعیین برابر ۰/۱۰۲ گزارش شده است این یافته بدین معناست که متغیرهای وارد شده به معادله توانسته است ۱۰ درصد از واریانس تغییرات مربوط به متغیر وابسته را تبیین کند. چنانچه آماره دوربین-واتسون در بازه قابل قبول ۱/۵ تا ۲/۵ قرار گیرد عدم همبستگی بین خطاها پذیرفته می شود. با توجه به اینکه آماره دوربین واتسون برابر ۷/۶۱۹ است، بنابراین می توان گفت که عدم همبستگی بین خطاها پذیرفته نمی شود.

جدول ۷. نتایج تحلیل واریانس یک طرفه (آنوا)

سطح معنی داری	F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	
۰/۰۰۳	۹/۶۵۹	۵۶۰/۷۹۰	۱	۵۶۰/۷۹۰	رگرسیون
-	-	۵۸/۰۵۷	۸۵	۴۹۳۴/۸۲۰	اختلاف
-	-	-	۸۶	۵۴۹۵/۶۰۹	کل

نتایج جدول ۷. آزمون معناداری، ضریب تعیین را نشان می دهد از آنجا که مقدار خطای آزمون F برابر است با نسبت متوسط واریانس رگرسیون به متوسط واریانس باقی مانده که برابر ۹/۶۵۹ و سطح معناداری برابر با ۰/۰۰۳ است. پس متغیرهای مستقل یعنی هوش سیاسی دانشجویان یا به عبارتی متغیر مستقل توان پیش بینی متغیر وابسته را دارد.

جدول ۸. نتایج ضریب رگرسیون چند متغیره تاثیر هوش سیاسی بر مشارکت سیاسی

متغیر پیش بین	ضرایب غیر استاندارد		ضرایب استاندارد	T آزمون	P معناداری
	B	SE			
	BETA				

مقدار ثابت	۵۷/۴۴۸	۲/۵۲۵	-	۲۲/۷۵۱	۰/۰۰۰
مشارکت سیاسی	۰/۱۰۵	۰/۰۳۴	۰/۳۱۹	۳/۱۰۸	۰/۰۰۳

طبق جدول ۸، در تحلیل رگرسیون چندگانه تأثیر هوش سیاسی بر مشارکت سیاسی در سطح معناداری (۰/۰۰۳)، سهم (بتا) یعنی میزان تأثیرگذاری هوش سیاسی دانشجویان بر مشارکت سیاسی برابر (۰/۳۱۹) می‌باشد. بنابراین فرضیه تحقیق در سطح معناداری قرار دارد و هوش سیاسی دانشجویان بر میزان مشارکت سیاسی تأثیر معناداری وجود دارد.

#### H4: هوش سیاسی دانشجویان در ارتباط بین برنامه‌های فرهنگی دانشگاه و میزان مشارکت سیاسی نقش میانجی دارد.

برای دستیابی به این که هوش سیاسی چه نقشی در رابطه بین برنامه‌های فرهنگی دانشگاه و مشارکت سیاسی وجود دارد، از تحلیل رگرسیون گام به گام استفاده شده است.

جدول ۹- تحلیل رگرسیون گام به گام (روش ورود مکرر)

ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعدیل شده	تعیین	درصد خطای تخمین (دوربین واتسون)
۰/۳۱۹	۰/۱۰۲	۰/۰۹۱		۷/۶۱۹۴۹

#### جدول ۱۰- نتایج تحلیل واریانس یک طرفه (آنوا) خروج متغیر برنامه فرهنگی دانشگاه و تأثیر متغیر مستقل هوش سیاسی بر مشارکت سیاسی

مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی داری	رگرسیون
۵۶۰/۷۹۰	۱	۵۶۰/۷۹۰	۹/۶۵۹	۰/۰۰۳	

اختلاف	۴۹۳۴/۸۲۰	۸۵	۵۸/۰۵۷	-	-
کل	۵۴۹۵/۶۰۹	۸۶	-	-	-

## ج

## دول ۱۱- نتایج ضریب رگرسیون گام به گام تاثیر هوش سیاسی بر مشارکت سیاسی

متغیر پیش‌بین	ضرایب غیراستاندارد		ضرایب استاندارد	آزمون T	P معناداری
	B	SE			
مقدار ثابت	۵۷/۴۴۸	۲/۵۲۵	-	۲۲/۷۵۱	۰/۰۰۰
مشارکت سیاسی	۰/۱۰۵	۰/۰۳۴	۰/۳۱۹	۳/۱۰۸	۰/۰۰۳

مشاهده می‌شود که تنها متغیر مشارکت سیاسی به معادله رگرسیون وارد شده است و این متغیر به تنهایی ۰/۱۰۲ درصد از تغییر پذیری هوش سیاسی را با توجه به مقدار RSquare بیان می‌کند. متغیر برنامه‌های فرهنگی دانشگاه نتوانسته است از معیار مورد نظر عبور کند و از مدل حذف می‌شود. بنابراین تنها هوش سیاسی بهترین پیشگو برای میزان مشارکت سیاسی دانشجویان است با توجه به سطح معنی‌داری خطای آزمون فرضیه اصلی تحقیق تایید می‌شود و برنامه‌های فرهنگی دانشگاه بر مشارکت سیاسی با نقش میانجی هوش سیاسی تاثیر دارد و با مداخله متغیر هوش-سیاسی در رابطه بین برنامه‌های فرهنگی دانشگاه و مشارکت سیاسی دانشجویان، رابطه بین دو متغیر افزایش می‌یابد. در جدول (۱۰ و ۱۱) مشاهده می‌شود میزان F مشاهده شده معنادار است ( $p < ۰/003$ ) و  $۹/۶۵۹$  درصد از مشارکت سیاسی توسط ابعاد هوش سیاسی تبیین می‌شود. با توجه به مقادیر بتا ( $\beta = ۰/319$ ) می‌توانند تغییرات مربوط به مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه اراک را به صورت معنی‌داری پیش‌بینی کنند.

## نتیجه‌گیری

نظام آموزش رسمی هر کشور، مظهر خرده نظام اجتماعی- فرهنگی جامعه بوده و دانشگاه‌ها محور و مدار توسعه در جوامع امروزی‌اند که بحث شناخت مسائل

فرهنگی، به دلیل جمعیت بالای دانشجویی و توجه به سرنوشت دانشجویان، در دانشگاهها اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. مطالعات تجربی نشان داده است که میانگین مشارکت سیاسی دانشجویان بالاتر از میانگین مشارکت سیاسی جامعه است و عامل فضای دانشگاه و تحصیلات نقش بنیادی در افزایش مشارکت سیاسی دانشجویان دارند. هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش برنامه‌های فرهنگی دانشگاه بر مشارکت-سیاسی دانشجویان با نقش میانجی هوش سیاسی (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه اراک) بود. جامعه آماری تحقیق مشتمل بر دانشجویان گروه فنی‌مهندسی ورودی ۱۴۰۰-۹۹ می‌باشد که یک دوره انتخابات را در زمان دانشجویی خود گذرانده باشند. طبق نتیجه فرضیه اول قدرت رابطه میان متغیر برنامه‌های فرهنگی دانشگاه بر میزان مشارکت سیاسی برابر  $0.07$  محاسبه شده است که مقدار بسیار ناچیزی است سطح معناداری نیز  $Sig > 0/05$  بدست آمده است که همبستگی مشاهده شده معنادار نیست و فرضیه رد می‌شود. این یافته‌ها با نتایج لیزن (۲۰۰۸)، درگاهی و احتشامی (۲۰۱۹) همسو است اما با نتایج نیک‌کار و همکاران (۱۳۸۴)، امیریان‌زاده و همکاران (۱۳۸۵) غفاری‌هشتجین و همکاران (۱۳۸۹)، پالیزیان (۱۳۹۰) شهریاری (۱۳۹۴)، فرزانه و امیریان‌زاده (۱۳۹۵) مغایر می‌باشد. در تبیین این فرضیه می‌توان گفت در حوزه میزان مشارکت سیاسی دانشجویان با توجه به تغییر نسل چهار دهه‌ای پس از انقلاب اسلامی که عصر اطلاعات، ارتباطات و وسایل ارتباط جمعی مدرن و ظهور فناوری‌های مرتبط با آن، عصر دولت‌های رفاه و در نهایت عصر زندگی مدرن که عقلانیت‌محور، منطقی، نقدگرایی نسبت به وضع موجود از ویژگی‌های بارز فرهنگی آنان است تحصیلات به عنوان یک متغیر منزلتی قلمداد می‌شود که تأثیر بر مشارکت سیاسی دارد و عضویت و مشارکت فعال در گروه‌ها، نهادها و سازمان‌های اجتماعی و سیاسی احتمال مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی را بیشتر می‌کند. همانگونه که دکتر ذاکر صالحی در کتاب خود در خصوص مسائل آموزش عالی ایران بهترین الگو آکسبریجی دانسته‌اند زیرا بر فرهیختگی و رشد دانشجو تأکید دارد با توجه به رد شدن فرضیه پژوهش به نظر می‌رسد هنوز این الگو نتوانسته است تأثیر خود را بر دانشجویان بگذارد.

طبق نتیجه فرضیه دوم دو متغیر برنامه‌های فرهنگی دانشگاه باهوش‌سیاسی دانشجویان با ضریب همبستگی  $r=0/098$  و در سطح معناداری  $sig=0/366$  با یکدیگر رابطه ندارند و فرضیه رد می‌شود. هر چقدر هم که برنامه‌های فرهنگی دانشگاه با هدف تبادلات خود با دانشجویان شأن و احترام و حضور آنها را ارج دهد و در تصمیم‌گیری‌ها، ارزیابی‌ها و روابط تعاملی خود، پذیرش منطقی و عقلانی و منصفانه و عادلانه را به معرض نمایش بگذارد در نهایت نگرش‌سیاسی و هوش-سیاسی فرد از باورهای درونی فرد نشأت می‌گیرد. نتایج نشان داد درنمونه آماری مورد بررسی برنامه‌های فرهنگی دانشگاه نمی‌تواند بر هوش‌سیاسی دانشجویان دانشکده فنی‌مهندسی تاثیر بگذارد که با نتایج صولتی‌سرونی و همکاران (۱۳۹۶)، فرزانه و امیریان زاده (۱۳۹۵)، شهریاری (۱۳۹۴) سخامهر و صداقتی‌فرد (۱۳۹۴) همراستا نیست. مغایرت یافته‌های این پژوهش با دیگر محققان شاید به سبب موقعیت جامعه‌آماری این پژوهش باشد چرا که در طی دو سال اخیر و با توجه با انتخابات سال ۱۴۰۰ که در شرایط کرونایی برگزار گردید و دانشگاه‌ها عموماً تعطیل شدند و به صورت مجازی و غیرحضور کلاس‌ها برگزار شد لذا نگرش و بینش-سیاسی دانشجویان جدیدالورود از فضای فرهنگی و آموزشی دانشگاه دور ماند به نظر می‌رسد برای مدیریت بحران در چنین شرایطی باید تمهیداتی اندیشید.

نتایج فرضیه سوم نشان داد تاثیر هوش‌سیاسی بر میزان مشارکت‌سیاسی مثبت و معنادار می‌باشد دو متغیر با ضریب همبستگی  $r=0/319$  و در سطح معناداری  $sig=0/003$  با یکدیگر رابطه دارند در ادامه جهت پیش‌بینی تأثیر متغیر مستقل و وابسته آزمون رگرسیون چندمتغیره مورد استفاده قرار گرفت. نتایج نشان داد ضریب همبستگی تاثیر هوش‌سیاسی دانشجویان بر میزان مشارکت‌سیاسی  $0/319$  گزارش شده است یعنی درواقع حدود ۳۱ درصد از واریانس متغیر وابسته یعنی مشارکت‌سیاسی از طریق متغیر مستقل یعنی هوش‌سیاسی تبیین و توجیه شده است. و ضریب تعیین برابر  $0/102$  گزارش شده است این یافته بدین معناست که متغیرهای وارد شده به معادله توانسته است ۱۰ درصد از واریانس تغییرات مربوط به متغیروابسته را تبیین کند و فرضیه تایید می‌شود. این یافته‌ها با نتایج

نادری (۱۳۹۶)، صولتی سرونلی و همکاران (۱۳۹۶)، سخامهر و صداقتی فرد (۱۳۹۴) پالیزیان (۱۳۹۰) همسو و هماهنگ می‌باشد. در تبیین این فرضیه می‌توان گفت از آنجا که همواره مراکز آموزشی، به‌ویژه محیط دانشگاهی، از بسترهایی بوده است که می‌تواند زمینه‌های انواع مشارکت (اقتصادی، اجتماعی، سیاسی) و توسعه و امنیت ملی را فراهم کند. دانشجویان در دانشگاه‌ها در محیطی اند که از فرهنگ‌های متنوع و گوناگون با هم تعامل دارند، لذا بدلیل برخوردار بودن این افراد از هوش سیاسی، به کارگیری برنامه‌های متناسب با هر قومیت و گروهی این هدف را با موفقیت همراه خواهد کرد. متناظر با این نتیجه پیشنهاد می‌گردد در برنامه‌های فرهنگی دانشگاه‌ها از نقاط قوت تنوع قومیتی و فرهنگی و مذهبی کشور بهره برد و تلاش در جهت ایجاد تعادل و همبستگی و انسجام اجتماعی در دانشگاه و در ادامه تسری به کل جامعه صورت گیرد. همچنین توجه به نظریه‌های جامعه‌شناسان سیاسی و برنامه‌ریزی در جهت ایجاد فضای امنیت اجتماعی همانگونه که - بوزان امنیت- اجتماعی را با قابلیت‌ها و توانمندی‌های یک جامعه در راستای حفاظت از الگوهای سنتی فرهنگ، مذهب، هویت و عرف ملی شاخص‌سازی کرده و از این نگاه حفاظت از عناصر اصلی انسجام اجتماعی جامعه را شرط تحقق امنیت برای بقاء و تداوم جامعه می‌داند- مورد توجه قرار گیرد.

در فرضیه چهارم با توجه به تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام تنها متغیر مشارکت سیاسی به معادله رگرسیون وارد شده است و این متغیر به تنهایی ۰/۱۰۲ درصد از تغییرپذیری هوش سیاسی را با توجه به مقدار RSquare بیان می‌کند. متغیر برنامه‌های فرهنگی دانشگاه نتوانسته است از معیار مورد نظر عبور کند و از مدل حذف می‌شود. بنابراین تنها هوش سیاسی بهترین پیشگو برای میزان مشارکت سیاسی دانشجویان است با توجه به سطح معنی‌داری خطای آزمون می‌توان گفت برنامه‌های فرهنگی دانشگاه بر مشارکت سیاسی با نقش میانجی هوش سیاسی تأثیر دارد و با مداخله متغیر هوش سیاسی در رابطه بین برنامه‌های فرهنگی دانشگاه و مشارکت- سیاسی دانشجویان، رابطه بین دو متغیر افزایش می‌یابد و فرضیه تایید می‌شود. این یافته‌ها با نتایج هاروی و هاروی (۱۹۷۰)، لیزن (۲۰۰۸) نیک‌کار و همکاران (۱۳۸۴)

امیریان زاده و همکاران (۱۳۸۵) همراستا می‌باشد. در تبیین این فرضیه می‌توان گفت با تغییرات سیاسی دانشجویان درک تازه‌ای از هوش سیاسی می‌یابند هوش یک سبک درون فردی متمایز دارد که جذاب است و افراد را قادر می‌سازد که در حالی که با دیگران و از طریق آن‌ها کار می‌کنند رشد کنند. برنامه‌های فرهنگی دانشگاه باید به گونه‌ای بتواند تعاملات بین شخصی دانشجویان را به مثابه اجرای چشم‌انداز دانشگاه مشاهده کند و صداقت و اعتماد به نفس را در دانشجویان القا کرده آن‌ها را با توجه به نفوذ فردی و ظرفیت هوش سیاسی که توانایی غلبه بر اجبار را دارند، سعی در ایجاد تمرکز در محیط‌های پرتنش سیاسی را موجب سازد. مؤلفه‌های برنامه‌های فرهنگی دانشگاه براساس الگوی اکسبریجی، دانشجویان را می‌تواند آشکارا، اصول، ارزشها و عقایدی که اعمالش را هدایت می‌کند، بیان کند و صادقانه سخن بگوید و هنگام روبرو شدن با تصمیمات آن را آگاهانه ارزیابی کند که با عقایدش هماهنگ باشد. در همین راستا داشتن دانشجویانی با هوش سیاسی بالا نیاز امروز جامعه سیاسی ایران می‌باشد چرا که با کم‌رنگ شدن مرزهای ملی و مهاجرت‌های رو به افزایش خارجی، نیروی کار نخبه هم شکل و یک دست را از بین برده است؛ بنابراین، تقویت این ویژگی‌ها در دانشگاه‌ها به نزدیک‌تر شدن آن به اهداف و آرمان‌هایش کمک بسزایی می‌نماید. در حالی که عدم توجه به تفاوت‌های فردی و فرهنگی دانشجویان، آنان را به مرور به شهروند ناراضی و در نهایت به منبع تعارض در جامعه با دولت تبدیل می‌کند. در مقابل، به کارگیری قابلیت‌های هوش سیاسی در آنان به صورت هم‌زمان موجب افزایش کارایی و اثربخشی برنامه‌های فرهنگی دانشگاه میشود.

### محدودیت‌های تحقیق و پیشنهادها

هر تحقیقی با توجه به شرایط حاکم بر آن با محدودیت‌ها و موانعی روبرو می‌باشد از محدودیت‌های اجرایی این پژوهش شرایط کرونایی و وجود اعمال قرنطینه‌ها و عدم دسترسی مستقیم به تعداد کل دانشجویان، تعطیلی و غیرحضور برگزار شدن کلاس‌های دانشگاه است که قابلیت تعمیم نتایج به سایر مناطق بایستی با احتیاط

و بررسی‌های میدانی انجام گیرد. از محدودیت‌های محتوایی فقدان اطلاعات و داده‌های کافی در خصوص برنامه‌های کاربردی فرهنگی دانشگاه، عدم وجود تحقیقاتی منسجم در خصوص زمینه نظری موضوع هوش سیاسی، طرح پرسشنامه محقق ساخته در زمان گردآوری اطلاعات که نیاز به بازبینی و نگرشی عمیق‌تر را دارد.

۱- پیشنهاد می‌گردد موضوعات این تحقیق بر روی دانشجویان سایر دانشکده‌ها (علوم انسانی - پزشکی - کشاورزی) اجرا و نتایج مقایسه گردد. ۲- پیشنهاد می‌گردد از سایر ابزارهای گردآوری برای بررسی مشارکت سیاسی، هوش سیاسی و برنامه‌های فرهنگی و سیاسی دانشگاه استفاده گردد.

### تشکر و قدردانی

بدین وسیله از رئیس و معاونت محترم پژوهشی دانشگاه اراک به منظور حمایت و پشتیبانی در انجام این طرح پژوهشی تشکر و قدردانی می‌گردد.

### منابع و مأخذ

- آلموند ج. پاول، ب (۱۳۸۰) مشارکت و حضور سیاسی شهروندان، ترجمه: علیرضا طیب، اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۱۶۴، صص ۱۴۷-۱۳۶
- اکبری، مسعود (۱۳۸۹). مشارکت‌های دانشجویی و نقش آن در توسعه فعالیت‌های فرهنگی (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد خلخال، مجله مدیریت-فرهنگی، سال چهارم، شماره هشتم، صص ۱۰۷-۱۲۱)
- اسماعیلی، محسن (۱۳۷۴) گزیده مقالات و سخنرانی‌های سمینار دانشجو، دانشگاه و سیاست، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی
- پالیزیان، محسن (۱۳۹۰) بررسی میزان تمایل به مشارکت سیاسی دانشجویان و عوامل موثر بر آن، مجله سیاست، دوره ۴۱، شماره ۲، صص ۳۳-۴۹
- ثابتی‌راد، عباس (۱۳۸۵) آموزش‌های شهروندی، روزنامه همشهری



- حمیدی هریس، حمید، راد، فیروز، (۱۳۹۶) بررسی رابطه سرمایه فرهنگی با مشارکت- سیاسی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، مطالعات جامعه‌شناسی، سال ۹، شماره ۳۵، ۲۲۸۱-۶۵
- حیدری، فریبا(۱۳۹۷) نقش و مشارکت زنان در توسعه پایدار، فصلنامه مطالعاتی صیانت از حقوق زنان، سال سوم، بهار، صص ۱۱۵-۱۰۰
- دال، رابرت(۱۳۶۴) تجزیه و تحلیل سیاست، ترجمه حسین مظفریان، تهران، مظفریان.
- ذاکر صالحی، غلامرضا(۱۳۹۷) مسائل آموزش عالی ایران، چاپ اول، ناشر: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- راش، مایکل (۱۳۹۱) جامعه و سیاست: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران؛ انتشارات سمت
- زارع، الهام، فرامرزی اصل، مهسا، عباسی پازرام، الناز(۱۳۹۹). بررسی نقش مشارکت- اجتماعیات محلی در توسعه پایدار اجتماعی شهرها (مطالعه موردی: محله سنگلج تهران). فصلنامه معماری و شهری پایدار، سال ششم، شماره اول، صص ۱۰۱-۱۱۶
- زاهدی، شمس‌السادات، (۱۳۹۶) نقش انجمن‌های علمی و صنفی اعضای هیات علمی در استقلال دانشگاه با تاکید بر منافع ملی، مجموعه مقالات همایش ملی استقلال دانشگاه‌ها چالش‌ها و راهبردها، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی
- سخامهر، مینا و صداقتی فرد، مجتبی (۱۳۹۴)، سنجش آگاهی سیاسی دانشجویان و عوامل مؤثر بر آن با تاکید بر مشارکت سیاسی، کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی، روانشناسی و علوم اجتماعی، تهران، <https://civilica.com/doc/436454>
- شهریاری، حیدر(۱۳۹۴) مقایسه مشارکت سیاسی دانشجویان علوم انسانی با سایر گروه‌های تحصیلی (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه تهران)، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، صص ۱۶۳-۱۸۹
- صولتی سروندی، حسین، نجفی، محمد، حسام‌قازی، روزان (۱۳۹۶) بررسی رابطه هوش هیجانی و مشارکت سیاسی در دانشجویان دانشگاه پیام نور واحد تهران غرب، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال نهم، شماره ۳۶، صص ۱۶۰-۱۴۹
- علیخانی، علی اکبر(۱۳۸۹) شیوه‌های تحول و بهبود آموزش عالی و پژوهش در ایران با تحلیلی بر برخی مطالعات انجام شده، فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران، سال سوم، شماره ۱، صص ۱-۳۱

- غفاری هاشجین، زاهد، بیگی‌نیا، عبدالرضا، تصمیم قطعی، اکرم (۱۳۸۹) عوامل موثر بر مشارکت سیاسی دانشجویان علوم سیاسی و فنی دانشگاه تهران، دانش سیاسی سال ششم، شماره ۲، صص ۲۴۰-۴۰۷
- فرزانه، عبدالحمید؛ امیریان‌زاده، مژگان (۱۳۸۵). میزان اثربخشی برنامه‌های فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی فارس از دیدگاه دانشجویان، فصلنامه رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، سال هفتم، شماره ۳.
- مصطفی‌زاده، معصومه، صادقی، محمد رضا (۱۳۹۳) طراحی مدل توسعه سرمایه اجتماعی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، مدیریت سرمایه اجتماعی، دوره ۱، شماره ۲، صص ۱۶۱-۱۸۲
- مجلل چوب‌قلو، محمدعلی، ابراهیمی، علی، قربانی چوب‌قلو، صمد (۱۳۹۲) بررسی رابطه میان هوش اخلاقی و مشارکت سیاسی، مطالعه موردی دانشگاه اصفهان، فصلنامه دانش سیاسی و بین‌الملل، سال دوم، شماره پنجم، صص ۲۱-۴۲
- ممبینی، یعقوب، دوستار، محمد، گودرزی، مهشید (۱۳۹۵) هوش سیاسی و تغییر سازمانی: بررسی نقش تعدیلگر فرهنگ سازمانی، پژوهش‌های مدیریت در ایران، دوره ۲۱، شماره ۲
- نادری، احمد (۱۳۹۶) فراتحلیل مشارکت سیاسی دانشجویان ایرانی؛ مطالعه اثربخشی عوامل تبیین‌کننده عینی، انگیزشی-ذهنی، فرهنگی-اجتماعی و نهادی، مطالعات جامعه‌شناختی، دوره ۲۴، شماره یک، ۲۹۰-۲۵۹
- نیک‌کار، ملیحه؛ فرزین‌فرزانه؛ احمدی لاری، رکن‌الدین (۱۳۸۴). بررسی نگرش دانشجویان دانشگاه شیراز نسبت به برنامه‌های فرهنگی و هنری و عوامل موثر بر شرکت آنها در این‌گونه فعالیت‌ها "مجله علوم اجتماعی و انسانی، دوره بیست و دوم، شماره چهارم، پیاپی (۴۵).

## References

- Ashraf F, Zahid Iqbal M. A Research Agenda on the Leaders Political Intelligence for Effective Change Management, African Journal of Business Management, 2011, (14), pp.5798-5806
- Cook, S. & Macaulay, S. (2004). Change Management Excellence. London; Stirling, VA : Kogan Page

- Ferrise,G.R;Davidson,S.L; And Perrewew,P.I (2009) Political Skill at work: Impact on work Effectiveness. USA:Nicholas Brealey,pp.25-37
- Ferris G.R, Treadway D.C, Kolodinsky R.W, Hoch Warter W.A., Kacmar C.J., Douglas, C., and Frink, D.D. Development and Validation of the Political Skill Inventory, Journal of Management, 2005, 31, pp.126-152.
- Dahl, Robert(1974), Who Governs 20<sup>th</sup> Print, New Haven and London: yale university press.
- Dingaa Emil. (2014). "Social capital and social justice". Procedia Economics and Finance. 8:246 –253
- Dargahia Hossein , Ehteshami, Fatemeh (2019) The Relationship Between Managers' Political Intelligence And Employees'Political Behavior: A Case Study In Tehran University of Medical Sciences, Journal of Advances in Social Science and Humanities ISSN - 2395-6542Vol 5 (1), 531-538
- Harvey, S. K y and Harvey, T. G. (1970) Adolescent Political Outlooks: The Effects of Intelligence as an Independent Variable, Midwest Journal of Political Science [Vol. 14, No. 4 \(Nov., 1970\)](https://www.jstor.org/stable/2110354), pp. 565-595
- Leeson. Peter T,(2008) Media Freedom, Political Knowledge, and Participation [Journal Of Economic Perspectives](#), VOL. 22, NO. 2, SPRING 2008,(pp. 155-169)
- Lussier, R.N, Achua, C.F. (2010). Leader Ship: Theory, Applications, and Skill Development (4th), Cengage, USA.
- Mardiha, M. (2002), expectations from mass university, ministry of science, research and technology (in persian).
- Moody M C (2007). Adaptive behavior in intercultural environments: The relationship between cultural intelligence factors and big five personality traits. Unpublished doctoral Dissertation of philosophy.George Washington university
- Neave, G. (2001), the four pillars of wisdom, iranian journal of unesco's message, no. 340. 6-8.

- Ramezani, R. (2002), the current challenges of universities and the national science development system, journal of research and planning in higher education, no. 25 (in persian).
- Scott, P. (2000), a tale of three revolutions: science, society, and the university, in: higher education re-formed-falmer press, 190-207, [www .ballarat.edu.au](http://www.ballarat.edu.au)